

گزارش

کاهش کم سابقه حجم آب سدهای تهران

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران با اعلام اینکه با بی‌سابقه‌ترین دوره خشک‌سالی ۵۷ سال اخیر در این استان مواجه هستیم، بر لزوم صرفه‌جویی دست‌کم ۲۰درصدی مصارف آب برای عبور از شرایط سخت کم‌بارشی تأکید کرد. به گزارش ایلنا، محسن اردکانی با اشاره به کاهش ۴۵درصدی بارش‌های استان تهران در سال آبی جاری در مقایسه با دوره آماری درازمدت، افزود: میزان بارندگی‌های استان تهران از ابتدای سال آبی جاری تاکنون، پایین‌ترین میزان بارش‌های ۵۷ سال اخیر محسوب می‌شود.

او صرفه‌جویی ۲۰درصدی در مصارف آب را نه یک اختیار و انتخاب، بلکه امری اجتناب‌ناپذیر خواند و ابراز امیدواری کرد: همان‌گونه که شهروندان تهرانی تاکنون با خدمت‌گزاران خود در شرکت آبفای استان تهران همکاری کرده‌اند، از این پس نیز با صرفه‌جویی دست‌کم ۲۰درصدی، همراهی کنند تا از این شرایط سخت بدون ایجاد محدودیت عبور کنیم. اردکانی میزان آب موجود در سدهای امیرکبیر، لئان، و ماملو به عنوان چهار سد عمده تأمین‌کننده آب استان تهران را شی درصد مجموع گنجایش مخازن این سدها عنوان و تأکید کرد: شهروندان استان تهران یک چهارم آب شرب کشور را مصرف می‌کنند و با توجه به شرایط بارش‌ها و پایین‌آمدن ذخایر سدها، از شهروندان رجای واثق داریم برای گذر از این شرایط، همچون گذشته همکاری می‌کنند. او با بیان اینکه همان‌کمون ۶۰ درصد شهروندان تهرانی تا دو برابر الگوی تعیین‌شده و پنج درصد بیش از دو برابر الگو، آب مصرف می‌کنند، سرانه مصرف هر شهروند تهرانی را ۲۵۰ لیتر در شبانه‌روز اعلام کرد و گفت: این رقم در مقایسه با الگوی ۳۰لیتری سرانه مصرف، آمار بسیار بالایی است و امیدواریم عموم شهروندان با صرفه‌جویی ۲۰درصدی و مستنکار باایلی است و بدمصرف با اصلاح و تغییر اساسی در رفتار مصرفی، کمک کنند از شرایط خشک‌سالی و کم‌آبی به سلامت عبور کنیم.

همچنین بهژاد پارسا، مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای تهران از کاهش چشمگیر حجم آب سدهای تهران خبر داد و گفت مدیریت مصرف برای همه شهروندان و مراکز ذی صلاح امری ضروری است. او افزود: حجم آب سدهای پنج‌گانه تهران به ۲۷۲ میلیون مترمکعب رسیده که این میزان تنها ۱۳ درصد حجم نرمال این سدهاست و ذخیره سدهای امیرکبیر (کرج) و لئان در شرق تهران به پایین‌ترین حجم خود رسیده‌اند که از زمان بهره‌برداری این سدها تاکنون سابقه نداشته و این ناشی از بارش‌های ناچیز امسال و نیز تداوم خشک‌سالی است. مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای تهران خاطرنشان کرد: بارندگی‌های امسال با ثبت ۸۸.۳ درصدی متر از ابتدای سال آبی جاری تاکنون ۴۵ درصد کمتر از دوره بلندمدت بوده است. پارسا گفت: با گذشتن نیمی از اسفندماه با ثبت تنها ۴.۳ میلی‌متر بارش نسبت به سال گذشته ۵۳ درصد و نسبت به متوسط بلندمدت ۷۷ درصد کاهش دارد. او ادامه داد: ذخیره برفی در حوضه‌های آبریز سدها نیز به‌شدت کاهش یافته است و انتظار نمی‌رود رواباب ناشی از ذوب برف به میزان معمول شکل بگیرد. مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای تهران با اشاره به تلاش مردم برای انجام سنت خاک‌تکانی با آب از شهروندان درخواست کرد نهایت همکاری را با مدیریت آب داشته باشند تا بتوان بدون مشکل این ایام را پشت سر گذاشت. پارسا ادامه داد: با تلاش‌های صورت‌گرفته و مدیریت منابع آب‌های زیرزمینی و سطحی تاکنون مشکلی در تأمین آب ایجاد نشده است. او افزود: منابع آب محدود است و با کاهش بارش‌ها سطح آبخوان‌ها نیز با کاهش روبه‌رو خواهد شد و تداوم این روند تأمین آب را مشکل‌تر خواهد کرد. مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای تهران بر همراهی و همدلی مردم در رعایت هرچه بیشتر مصرف در این ایام تأکید کرد.

یادداشت

روسیه: تسهیلگر یا میانجیگر؟

دلیل سوم آنکه مسکو درحال حاضر خود در موقعیت ضعیفی قرار دارد. درست است که روی کار آمدن مجدد ترامپ بعد از یک دوره چهارساله و حمایت او از پوتین موجب تقویت روحیه تضعیف‌شده او و دیگر مقامات کرملین شده، اما این به منزله پایان یافتن مشکلات اساسی روسیه از جمله همواردی با قاره سبز و تحریم‌های خانمان سوز و فشار شدید بر گروه اقتصاد جنکرده آن کشور نیست.

روسیه تضعیف‌شده نیازمند کارت بازی جدیدی است تا بتواند با استفاده از آن، قدرت چانه‌زنی بیابد و موقعیت متزلزل خود را ترمیم کند.

استفاده از کارت ایران در قالب میانجیگری اشاره‌شده، به روس‌ها وزن و قدرت مانور چشمگیری می‌دهد. آنها اگر در موارد اختلافی بین ما و آمریکا، به شرح بالا با جمهوری اسلامی زاویه نداشتند، ممکن بود کار به اصلاح ذات‌البین بینجامد و احیاناً بازی برد-بردی را رقم بزنند، اما با عنایت به وجود مواضع واگرايانه تهران-مسکو در موارد مزبور، در تحلیلی هزینه-فایده‌محور، این ما هستیم که باید صورت‌حساب هزینه‌ها را پرداخت کنیم.

دلیل دیگر آنکه، با ورود روس‌ها به وسط معرکه اختلافات ایران و آمریکا بیم آن می‌رود که کشورمان مال‌الصلح قرار بگیرد. روس‌ها در برابر حاتم‌بخشی ترامپ در موضوع واگذاری مناطق اشغالی شرق اوکراین به آنها چه مابازایی بهتر از برگ ایران را می‌توانند پیشکش رئیس‌جمهور شارلاتان آمریکا کنند؟ این بدترین سناریوی متصور است که استقلال کشور را نشانه تن می‌گیرد و آن را به مخاطره می‌اندازد. به گونه‌ای که ممکن است منجر به وابستگی مضاعف ما، هم به طرف روسی و هم به طرف آمریکایی شود.

افزون بر دلایل پیش‌گفته، این را هم باید یادآور شویم که اصولاً وجود یک میانجی قدرتمند اگر هم دارای حسنی باشد، متضمن عیب بزرگی است و آن اینکه ابتکار عمل را از طرف ضعیف میانجیگری می‌گیرد و به میانجی واگذار می‌کند. در این واگذاری البته به طرف قوی (در اینجا آمریکا) هم به سهم خود از آن غنیمت می‌رسد و به‌این‌ترتیب معامله برد-برد، درواقع بین او و میانجی‌ی رقم می‌خورد. نکته دیگر آنکه اعمال نفوذ میانجی قدرتمند و دست‌کاری‌های او می‌تواند طرف ضعیف میانجیگری را به نوعی پیروی از سیاست‌های میانجی بکشاند. به عنوان مثال، روابط سرد مسکو با اروپایی‌ها و نفاز سنگین بین آن دو ممکن است روابط ما و قاره سبز را از آنچه اکنون است هم تیره‌تر کند که این قطعاً موجب خشنودی روس‌ها قرار خواهد گرفت. آنچه در بالا گفته شد، به معنای کوچک‌شمردن و به‌آداب‌اند کم به روابط ایران با روسیه نیست. این کشور هرچند سه سال است درگیر جنگ جهانی سوز‌سوز شده، اما همچنان در سپهر سیاست جهانی دارای جایگاه درخوری است.

آنچه مراد و مقصود این یادداشت بوده، این است که نگارنده نشان دهد روسیه میانجی مناسبی به طور کلی و در مورد ایران و آمریکا، به طور اخص نیست. اگر قرار باشد بین ایران و آمریکا مذاکراتی انجام شود، نقش روسیه به عنوان تسهیلگر کارساز می‌تواند باشد. نقشی که با میانجیگری تفاوت معنی داری دارد.

روسیه با توجه به روابط گرمی که با ترامپ و ایران دارد، شاید بتواند اسباب گفت‌وگوی مستقیم ایران و آمریکا را فراهم کند و به این ترتیب موجب کاهش تنش موجود در روابط دوجانبه آن دو کشور شود. این نقش را تسهیلگر ایفا می‌کند؛ نقشی که بماهو کلمه، فایده‌مند است و ایرادات مرتب بر میانجیگری، به شرح فوق را با خود یکد نمی‌کند.

داده‌های آماری ترکیه حاکی از آن است که افزایش قابل توجه صادرات گاز به این کشور عامل مهم خاموشی‌های گسترده برق در زمستان امسال بوده است

پرده‌برداری از یک پنهان‌کاری

مهدی عرب‌صادق

کارشناس انرژی

افزایش ۷۵درصدی صادرات گاز به ترکیه و بحران انرژی داخلی ایران با استناد به داده‌های سازمان انرژی ترکیه (EMRA) و قوانین داخلی ایران نگران‌کننده است. براساس گزارش‌های رسمی سازمان تنظیم مقررات انرژی ترکیه (EPDK) در سال ۲۰۲۴، صادرات گاز ایران به ترکیه در چهار ماه پایانی این سال (معادل ماه‌هایی از پاییز و زمستان ۱۴۰۳) ۷۵ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته و به رقم بی‌سابقه ۲.۸ میلیارد مترمکعب رسیده است. این حجم گاز صادراتی، معادل تولید ۱۰ تراوات‌ساعت برق است، رقمی که بیش از مجموع خاموشی‌های گسترده، تعطیلی صنایع و آلودگی ناشی از مازوت‌سوزی در ایران برآورد می‌شود. سؤال اینجاست: چرا در اوج بحران انرژی داخلی، صادرات گاز به ترکیه جهش یافته است و آیا آورده ایسن میزان صادرات گاز نسبت به خسارت سنگین به صنایع کشور ناشی از کمبود انرژی، توجیه اقتصادی دارد؟

خسارت سنگین خاموشی

کسری انرژی در کشور خسارات سنگینی بر جای گذاشت که در ادامه به شماری از این موارد اشاره می‌شود: بحران انرژی داخلی، خاموشی‌ها، مازوت و تعطیلی‌ها
خاموشی‌های پاییز و زمستان ۱۴۰۳: براساس گزارش شرکت مدیریت شبکه برق ایران، کمبود سوخت نیروگاهی به دلیل کاهش ذخایر گاز، منجر به خاموشی‌های گسترده در ۲۰ استان کشور شد.
مازوت‌سوزی و آلودگی هوا: وزارت بهداشت ایران اعلام کرد آلودگی هوا در زمستان ۱۴۰۳ به دلیل سوزاندن مازوت در نیروگاه‌ها، ۴۰ درصد افزایش مرگ‌ومیر تنفسی را در کلان‌شهرها رقم زد.
تعطیلی صنایع: اتاق بازرگانی ایران اعلام کرد هزار و ۵۰۰ واحد تولیدی به دلیل قطعی گاز و برق، به‌طور موقت تعطیل شدند.

با این تفاسیر پرریش این است که چرا گاز صادراتی به جای تأمین نیاز داخلی، به خارج فروخته شد؟

تناقض آشکار با قوانین انرژی ایران

ماده ۳ قانون برنامه ششم توسعه بر اولویت تأمین انرژی



خسارت خاموشی (و نه عدم‌النفخ) را به اقتصاد کشور تحمیل کرده است تا در ازای آن ۰.۵ میلیارد دلار درآمد به دست آورد؟ ضمن اینکه باید گفت این قرارداد آش دهان‌سوزی هم نبود و در سال ۲۰۲۳، قیمت گاز صادراتی ایران به ترکیه حدود ۱۰ تا ۱۲ دلار، به ازای هر میلیون BTU بود. در حالی که قیمت گاز در بازار اروپا به ۴۰ دلار به ازای هر میلیون BTU رسید.

شفاف‌سازی یا پنهان‌کاری؟

در ادامه بد نیست به پاسخ‌های وزارت نفت درباره علت کمبود گاز بپردازیم. وزارت نفت در دی ۱۴۰۳ درباره کمبود گاز مدعی شد که کمبود گاز داخلی به دلیل خرابی خطوط انتقال و افزایش مصرف است. این ادعا با داده‌های ترکیه تناقض دارد و باید پرسید اگر خطوط انتقال خراب است، چگونه صادرات گاز به ترکیه ۷۵ درصد افزایش یافته است؟ پرسش بعدی این است که چرا آمار دقیق صادرات گاز را از رسانه‌های داخلی پنهان کرده‌اید و مردم ایران باید از طریق داده‌های ترکیه (EPDK) از واقعیت مطلع شوند؟

کاز صادراتی چقدر تولید برق را کاهش داد؟

محاسبات فنی حاکی از آن است که هر مترمکعب گاز می‌تواند حدود ۳.۶ کیلووات‌ساعت برق تولید کند ۲.۸ میلیارد مترمکعب گاز صادرشده چیزی معادل ۱۰ تراوات‌ساعت برق است. این در حالی است که کل کمبود برق ایران در زمستان ۱۴۰۳ معادل شش تراوات‌ساعت اعلام شد. یعنی صادرات گاز به‌تنهایی ۱.۶ برابر کل کمبود انرژی کشور بوده است.

با این شرایط وزارت نفت باید:

- آمار صادرات گاز با انتشار دقیق حجم و ارزش گاز صادراتی به ترکیه در چهار ماهه پایانی ۲۰۲۴ دقیقاً شفاف‌سازی کند.
- توقف فوری مازوت‌سوزی با جبران کمبود گاز با اولویت‌دهی به مصارف داخلی.
- بازنگری در قراردادهای صادراتی با انعطاف‌پذیری و توافق با ترکیه برای جلوگیری از فاجعه انرژی در زمستان ۱۴۰۴ نزدیک است. آیا تکرار این فاجعه را مجاز می‌دانید؟

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

کشف راز افزایش وزن شیرگیری بره‌های بومی با جیره‌ای در زمان شیرخواری

چگونه یک تغییر ساده در تغذیه، آینده دامداران را متحول می‌کند؟

هنزیه‌های خوراک، نیروی کار و نگهداری. براساس محاسبات انجام‌شده، استفاده از جیره آغازین پلت‌شده در مقایسه با استارتر مرسوم، می‌تواند سود خالص دامداران را تا ۱۸.۸ درصد افزایش دهد؛ زیرا بره‌های سالم‌تر برای شروع پروراندی، با قیمت بالاتری به بازار عرضه می‌شوند. البته این میزان اختلاف سود در مقایسه با دامدارانی که به طور کلی از جیره آغازین استفاده نمی‌کنند، رقم بسیار بالاتری خواهد بود. همچنین، کاهش تلفات ناشی از بیماری‌ها به دلیل سلامت بهتر بره‌ها، ریسک مالی گله‌داران را به حداقل می‌رساند.

پایه، با یک مثال عینی و ملموس، این موضوع را موشکافی می‌کند: «با توجه به اینکه، استفاده از جیره آغازین (استارتر) در تمامی سامانه‌های پرورش گوسفند و بز کشور اعم از روستایی و عشایری قابلیت اجرا دارد. بنابراین تمامی پرورش‌دهندگان دام سبک می‌توانند از آن استفاده کنند. از آنجایی که سالانه بیش از ۱۰ میلیون رأس بره و بزغاله پرواری در کشور، پس از عملیات پروراندی وارد کشتارگاه می‌شوند،

دستان توانگر محققان بود.

در این مطالعه مشخص شد استفاده از جیره آغازین پلت‌شده در کنار شیر مادر، وزن بره‌های شیرخوار نژاد شال را در زمان شیرگیری تا ۴.۵ کیلوگرم افزایش می‌دهد؛ رقمی که معادل ۱۷.۷ درصد رشد بیشتر نسبت به استفاده از جیره آغازین مرسوم در روش‌های سنتی است و می‌تواند سود دامداران را برای هر رأس بره شیرگیری‌شده حداقل ۱۵ میلیون ریال افزایش دهد.

نبرد علم و سنت: خوراک کامل پلت‌شده در مقابل بویجه و کنسارته

همان‌طورکه گفته شد، در این تحقیق ۱۵۰ رأس بره نر و ماده نژاد شال در روستای صالحیه نظرآباد (دامداری آقای توانگر دهقان) به دو گروه تقسیم شدند. اول، گروه پیشگام که علاوه‌بر شیر مادر، از جیره ویژه پلت‌شده حاوی ترکیبات غنی از پروتئین، انرژی، ویتامین‌ها و مواد معدنی استفاده کردند؛ دوم، گروه شاهد که در آن بره‌ها فقط با روش مرسوم دام‌پروری ایران، یعنی بویجه و کنسارته پرورش یافتند. پس از گذشت دوره شیرگیری، نتایج همگان را شوکه کرد؛ بره‌های گروه اول نه‌تنها ۴.۵ کیلوگرم سنگین‌تر بودند، بلکه از نظر سلامت عمومی، نشاط و آمادگی برای رشد بعدی نیز برتر از گروه دوم ظاهر شدند. علاوه‌برآن، هیچ‌گونه تلفاتی هم نداشتند.

نادر پایی، مجری طرح توضیح می‌دهد: «پلت‌کردن جیره آغازین، فرایندی است که در آن مواد غذایی تحت فشار و حرارت به شکل گلوله‌های فشرده (جبه) درمی‌آیند. این فرایند نه‌تنها قابلیت هضم را آسان‌تر می‌کند، بلکه از هدررفت مواد مغذی جلوگیری کرده و تحریک اشتها در بره‌ها را به همراه دارد. جیره پلت‌شده مانند یک سوپرغذای هدفمند، دقیقاً مطابق نیازهای بدن بره‌های شیرخوار طراحی شده است.»

اقتصاد پرورش گوسفند زیر دیربند

افزایش وزن سریع‌تر بره‌ها یعنی کاهش دوره پروراندی و صرفه‌جویی در



۴. شروع ذخیره‌سازی سوخت از امروز و البته طبق قانون، ذخیره‌سازی ۳۰درصدی سوخت نیروگاه‌ها تا پایان تابستان الزامی است.

در نهایت اینکه سال ۱۴۰۴ هم زمستان دارد پس باید به صورت جدی به فکر تأمین سوخت گازوئیل مخازن نیروگاهی بود.

نکته دیگر اینکه ضرورت ایجاد ساختار یکپارچه وزارت انرژی بیش‌ازپیش احساس می‌شود و به نظر می‌آید وزارت نیرو به دلیل ماهیت فنی و غیرسیاسی خود، قربانی الیگارش‌ی وزارت نفت شده است. این وزارتخانه بیشتر بر مسائل فنی و اجرایی متمرکز است و فاقد شبکه‌های سیاسی قدرتمند است، ولی وزارت نفت با درآمدهای کلان نفتی و گازی، توانسته است شبکه‌های الیگارش‌ی قدرتمندی ایجاد کند و از آن برای حفظ قدرت خود استفاده کند و حتی همواره در بودجه‌های سنواتی مانع شفاف‌سازی رابطه نفت و ملت و نفت و دولت در تبصره یک می‌شود. این وضعیت نه‌تنها بحران‌های انرژی را تشدید کرده است، بلکه این عادلانه نیست که وزارت نفت با استفاده از منابع مالی گسترده و شبکه‌های سیاسی، خود را از انتقاده‌ها مصون نگه دارد و بحران‌ها را به وزارت نیرو نسبت دهد.

در انتها باید تأکید کرد تسلط وزارت نفت بر ساختار و بر بودجه پیامدهای زیادی دارد. از جمله اینکه:

- بحران انرژی: تسلط وزارت نفت بر منابع انرژی، منجر به بحران‌های مکرر در تأمین برق و گاز شده است که امسال آن را عیان کرد.

- بی‌اعتمادی عمومی: مردم از بی‌تدبیری و فراقکنی‌های مسئولان به ستوه آمده‌اند.
- تضعیف وزارت نیرو: این وزارتخانه به دلیل کمبود منابع و نفوذ سیاسی، توانایی حل بحران‌هایی را که وزارت نفت ماهیتا می‌آفریند، ندارد.

نکته آخر اینکه داده‌های سازمان انرژی ترکیه پرده از یک تناقض خطرناک برداشته است: افزایش صادرات گاز در بخبوحه فاجعه انرژی داخلی. این سؤال نه‌تنها یک انتقاد اداری، بلکه پرسش میلیون‌ها ایرانی است که در تاریکی و آلودگی هوا، به دنبال پاسخ‌گویی به شما هستند. زمستان ۱۴۰۴ نزدیک است. آیا تکرار این فاجعه را مجاز می‌دانید؟

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار

حالا باید وزارت نفت پاسخ دهد که چرا ۱۲ میلیارد دلار